

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه جمعه

حضرت امیر المؤمنین

سیدنا میرزا مسرور احمد ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز

خلیفہ پنجم حضرت مسیح موعود و امام مہدی علیہ السلام

ایراد شدہ در ۲۱ جولائی ۲۰۲۳ / ۳۰ تیر ۱۴۰۲

حضرت خلیفہ پنجم مسیح ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز پس از تلاوت
تشہد، تعوذ و سورہ فاتحہ فرمودند:

روایاتی از زندگی پیامبر اکرم صل اللہ علیہ و آلہ وسلم درباره جنگ بدر ذکر
می‌شود. جزئیات بیشتری در این رابطہ ارائه خواہم کرد. در رابطہ با حسن
رفتار پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم با اسیران پس از پایان جنگ
بدر، در طبقات بن سعد آمدہ است کہ هنگام ورود اسیران بدر، عموی پیامبر
اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و سلم حضرت عباس نیز در میان آنان بود.
خاطر این پیامبر اکرم صل اللہ علیہ و آلہ وسلم تمام شب را نخواستند. یکی
از اصحاب از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم پرسید: ای رسول خدا!
چہ چیزی شما را بیدار نگہ داشته است؟» پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ
وسلم و سلم فرمودند: صدای زجر از عباس. بعدا یک نفر رفت، و زنجیرهای
حضرت عباس را باز کرد. او را بستہ بود و زنجیر را کمی شل کرد. پیامبر اکرم
صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: چہ شدہ است؟ دیگر صدای زجر عباس

را نمی‌شنوم.» مردی پاسخ داد: "بندهای او را کمی شل کرده ام." پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و سلم فرمودند: «پس باید به تمامی اسیران همین کار را بکنی. اینطور نباشد که به خاطر خویشاوندی یک نفر، قید و بند یک نفر را باز کنی.»

در رابطه با اسیران جنگ بدر، حضرت میرزا بشیر احمد رضی الله عنه جزئیاتی را در سیره خاتم النبیین صل الله علیه و آله وسلم بیان کرده است: «پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم سه روز در وادی بدر ماندند. این زمان برای تکفین، دفن شهدا و مراقبت از زخمی‌ها گذشت. همچنین، در این ایام غنایم جمع آوری و دسته بندی شد. اسیران کافران که هفتاد نفر بودند، در اختیار مسلمانان مختلف قرار دادند. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم به مسلمانان دستور دادند که با اسیران به نرمی و مهربانی رفتار کنند. و اطمینان حاصل کنند که از راحتی آنها مراقبت شود. اصحاب که عشقی پرشور به برآوردن تمام خواسته‌های مولای خود داشتند، به این توصیه چنان شگفت انگیز عمل کردند که مانند آن در تاریخ جهان یافت نمی‌شود.

از میان این زندانیان، یکی از زندانیان به نام ابو عزیز بن عمیر می‌گوید:

”انصار به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به من نان پخته می‌دادند، ولی خودشان خرما می‌خوردند، اغلب اوقات چنین اتفاق می‌افتاد که حتی اگر یک تکه نان داشتند، به من می‌دادند و خودشان نمی‌خوردند.

اگر با خجالت آن را به آنها برمی‌گرداندم، اصرار می‌کردند که آن را داشته باشم.»

به زندانیانی که لباس کافی نداشتند، لباس مهیا شد. همینگونه، عبدالله بن ابی پیراهن خود را به عباس داد.

سر ویلیام میور با این جمله به رفتار محبت آمیز با این زندانیان اعتراف می‌کند:

طبق دستور محمد صلی الله علیه و آله وسلم، انصار و مهاجران، از اسیران پذیرایی کردند و با آنان با محترمانه رفتار کردند. یکی از این اسیران در روزهای بعد گفت: «درود بر مردان مدینه!» گفت: «ما را سوار کردند، در حالی که خودشان راه می‌رفتند، نان گندمی را کم بود ولی به ما دادند تا بخوریم و خودشان به خرما بسنده می‌کردند.»

سر ویلیام میور می‌افزاید:

تعجب می‌کنم چند تن از زندانیانی با رفتار محترمانه مسلمانان اسلام را قبول کردند، و فی الفور آزاد شدند و کسانی که هنوز ایمان نیاورده بودند [این روش] برای آنها تأثیر مساعدی گذاشت.»

در اهمیت و تأثیر جنگ بدر آمده است که هنگامی که عبدالله بن رواحه و زید بن حارثه بشارت پیروزی در جنگ بدر را به مدینه آوردند، با شنیدن بشارت پیروزی از آنان، دشمن خدا کعب بن اشرف به تهمت زدن آنان پرداخت و گفت: اگر محمد صلی الله علیه و آله وسلم این رهبران برجسته

را کشته است، بهتر است در درون زمین بروم نه روی آن. یعنی مردن بهتر از زنده ماندن است.

علامه شبلی نعمانی در کتاب خود با بیان نتیجه جنگ بدر می‌نویسد که جنگ بدر تأثیرات گوناگونی بر اوضاع مذهبی و اجتماعی [سرزمین] داشت. این در واقع اولین گام برای پیشرفت اسلام بود. همه رهبران برجسته قریش که مانند دیوارهای آهنین در راه اسلام بودند، هلاک شدند. پس از مرگ عتبه و ابوجهل، رهبری قریش به ابوسفیان رسید و سلسله امویان آغاز شد. ولی، قدرت واقعی قریش نسبت به قبل کاهش یافت. در مدینه، عبدالله بن ابی بن سلول همچنان آشکارا خود را کافر اعلام می‌کرد، اما اکنون به نظر می‌رسید که در چهار چوب اسلام آمده است. پس از پیروزی بدر، اسلام را به صورت ظاهری پذیرفت، هرچند تا پایان عمر منافق ماند و در همین حال از دنیا رفت. بقیه قبایل عرب که شاهد این حوادث بودند، گرچه به پیروزی نرسیدند، اما عقب نشینی کردند. بسیاری از قبایل، با اینکه اسلام نیاوردند، اما قطعاً پس از دیدن پیروزی [بدر] عقب نشینی کردند. آنها از مکر علیه مسلمانان دست برداشتند یا ترسیدند. علاوه بر این تغییر وضعیت، تحولات جدیدی در میان مخالفان پدید آمد. قبلاً با یهودیان پیمان بسته بود که در هر شرایطی در کنار آنها [مسلمانان] بایستند. اما این پیروزی آتش حسادت را در درونشان برافروخت و نتوانستند آن را خاموش کنند. پیش از این، قریش فقط بر خضرمی ناله می‌گفتند، اما پس از جنگ بدر، هر خانواده‌ای محل عزاداری بود و هر کودکی در مکه برای گرفتن انتقام کشته‌شدگان در

جنگ بدر بی‌قرار بود. بخاطر همین، واقعهٔ سوپق و جنگ احد نتیجهٔ همین شور و اضطراب آنان بود.

حضرت میرزا بشیر احمد رضی اللہ عنہ با ذکر نتیجهٔ جنگ بدر چنین می‌نویسد:

«تاکنون بسیاری از قبایل اوس و خزرج همچنان بر شرک ایستاده بودند. پیروزی بدر، جنبشی را در میان این مردم به دنبال داشت و با مشاهدهٔ این پیروزی باشکوه و خارق العاده، عده زیادی از آنان به حقیقت اسلام یقین پیدا کردند. پس از آن، عنصر بت پرستی به سرعت در مدینه کاهش یافت. اما عده ای نیز بودند که این پیروزی اسلام آتش کینه و حسادت را در دل آنها برافروخته بود. مخالفت آشکار را عاقلانه دانستند، ظاهراً اسلام را پذیرفتند، اما از درون به دنبال ریشه کن کردن آن بودند و به حزب منافقین پیوستند. برجسته‌ترین افراد در میان نامبرده، عبدالله بن ابی بن سلول بود که یکی از سران مشهور قبیلۀ خزرج بود. به دلیل ورود پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و سلم به مدینه، پیش از این دچار شوک سلب رهبری از ایشان شده بود. پس از بدر، این فرد ابتدا مسلمان شد، اما دلش از کینه توزی و دشمنی با اسلام آکنده بود. او پیشوای نفاق بود و مخفیانه دست به توطئه‌هایی علیه اسلام و پیامبر اکرم صل اللہ علیہ و آلہ وسلم زد.»

حضرت میرزا بشیر احمد رضی اللہ عنہ در ادامه می‌فرماید:

«جنگ بدر هم بر کافران و هم بر مسلمانان تأثیر عمیق و ماندگاری داشت. به همین دلیل این نبرد در تاریخ اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تا آنجا که قرآن کریم این جنگ را «یوم الفرقان» نامیده است، یعنی روزی که میان اسلام و کفر فرق آشکار گذاشته شد. شکی نیست که جنگ‌های دیگری نیز بعد از آن بین قریش و مسلمانان رخ داد و برخی از آنها بسیار شدید بود. مسلمانان در مقاطعی با موقعیت‌های حساسی مواجه می‌شدند، اما در جنگ بدر، ستون فقرات قریش شکسته بود که پس از آن هیچ عمل جراحی نمی‌توانست آن را برای همیشه ترمیم کند. تا آنجا که به تعداد تلفات جنگ، این شکست بزرگی نبود. کشته شدن هفتاد یا هفتاد و دو رزمنده برای قومی چون قریش به هیچ وجه نمی‌تواند یک ویرانی ملی تلقی شود. در جنگ احد، این تعداد تلفات مسلمانان بود. اما این باخت حتی مانعی موقت در مسیر پیروزی مسلمانان نشد (هرچند مسلمانان در آن زمان بسیار ضعیف بودند). پس چرا جنگ بدر را یوم الفرقان نامیدند؟ در پاسخ به این سؤال بهترین پاسخ در آیات قرآن کریم آمده است:

يقطع دابر الكافرين. همانا در آن روز ریشه کافران قطع شد.

یعنی ضربه جنگ بدر به ریشه کافران خورد و تکه تکه شد. اگر همین ضربه به جای ریشه به شاخه‌ها می‌خورد، صرف نظر از اینکه چقدر ضرر می‌کرد، این ضرر در مقایسه با آن چیزی که واقعاً متحمل شده بود، چیزی نبود. اما این ضربه به ریشه این درخت سرسبز را در چند لحظه به تلی از زغال سنگ تبدیل کرد. فقط آن شاخه‌هایی زنده ماندند که قبل از خشک شدن خود را

به درخت دیگر متصل کرده بودند. بنابراین، در میدان بدر، خسارات قریش با تعداد مردگان سنجیده نمی‌شد، بلکه چه کسانی مردند. وقتی از این منظر نگاهی به تلفات قریش می‌اندازیم، جایی برای کوچکترین تردید و انکار باقی نمی‌ماند که در بدر، ریشه قریش به راستی قطع شد. عتبه، شیبه، امیه بن خلف، ابوجهل، عقبه بن ابی معیط و نضر بن حارث و غیره افراد متحرک قریش بودند. این روح برای همیشه از قریش در وادی بدر به پرواز درآمد و مانند جسمی بی‌جان رها شدند. به همین دلیل جنگ بدر را یوم الفرقان نامیده‌اند.

حضرت مصلح موعود رضی الله عنه در این باره می‌فرماید:

«این همان جنگی است که خداوند متعال در قرآن کریم آن را «فرقان» نامیده است و در این جنگ بود که سران عرب که خانه‌های خود را ترک کرده بودند و ادعا می‌کردند که اسلام را یک بار برای همیشه نابود خواهند کرد، ولی خودشان از بین رفتند. آنها طوری محو شدند که امروز نامشان فراموش شده است. و اگر نام آنها یادآوری می‌شود، وابستگی به آنها مایه افتخار نیست، بلکه مایه رسوایی است. سرانجام خداوند متعال با این جنگ پیروزی بزرگی را نصیب مسلمانان کرد.»

حضرت مصلح موعود رضی الله عنه در ادامه می‌فرماید:

«شکی نیست که پس از این [نبرد] نیز مسلمانان مورد ظلم و ستم قرار گرفتند و در موارد مختلف مجبور به جنگ با کافران شدند. اما جنگ بدر،

بی‌تردید نیروی کافران را در هم شکست و قدرت مسلمانان را در برابر آنان به نمایش گذاشت. جنگ بدر که در قرآن کریم از آن به عنوان فرقان یاد شده است، در کتاب مقدس نیز پیشگویی شده است. در کتاب یسعیا فصل ۲۱ آیه ۱۳ تا ۱۷ آمده است: پیشگویی علیه عربستان: در صحرای عربستان اردو می‌زنید، ای کاروانیان دوانیان! برای خوش آمدگویی تشنگان آب بیاورید. ای ساکنان سر زمین تیما، برای فراریان غذا بیاورید. آنها از شمشیر کشیده، از کمان خمیده و از گرمای جنگ گریخته اند. چون خداوند به من خبر داده است: «در ظرف یک سال، همانطور که یک خدمتکار مقید آن را حساب می‌کند، تمام شکوه قیدار به پایان می‌رسد. بازماندگان کمانداران، رزمندگان قیدار، اندک خواهند بود.» خداوند خدای اسرائیل گفته است.»

حضرت مصلح موعود رضی الله عنه در ادامه می‌فرماید:

«در این سخنان حضرت یسعیا پیشگوئی شده بود که دقیقاً یک سال پس از هجرت، جنگی در عربستان رخ خواهد داد که شکوه قیدار را به خاک می‌اندازد. کسانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را متهم به فرار می‌کنند، در حضور لشکریان خود فرار می‌کنند. حالت آنها این خواهد بود که اجساد فرماندهان و سرداران‌شان در میدان نبرد رها می‌شود و در نهایت سرزمین مکه سرداران خود را از دست می‌دهد و در نتیجه قدرتی را که در گذشته داشت از دست می‌دهد. قرآن کریم نیز شب یازدهم را پیش بینی کرده است که درست يك سال پس از هجرت، نیروی کافران شکسته می‌شود و مسلمانان پیروزی و فتح را فرا می‌گیرند.، دقیقاً پس از یک سال،

جنگ بدر رخ داد که در طی آن بسیاری از رهبران بلندپایه کشته شدند و مسلمانان بر آنان به پیروزی چشمگیری دست یافتند.

حضرت مصلح موعود رضی اللہ عنہ ادامه می‌دهد:

«تفکر کنید! تا اول رمضان بعد از آمدن به مدینه، ۱۰ سال از این پیشگوئی گذشته بود. ماه رمضان سال یازدهم آغاز شده بود. پس از سپری شدن این سال، در آغاز سال یازدهم، در ۱۷ رمضان، جنگ بدر رخ داد و در آن کافران برجسته کشته شدند و به حملات وحشیانه آنها پایان یافت. شب یازدهم که بر مسلمانان چیره شده بود گذشت. مسلمانان با عنایت و یاری خداوند متعال، طلوع فجر و پیروزی را دیدند.»

در مورد فضیلت اصحابی که در جنگ بدر شرکت کردند، نقل شده است که حضرت جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم آمد و گفت: در میان مسلمانان چه رتبه ای برای شرکت کنندگان در جنگ بدر قائل هستید؟ پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در پاسخ فرمودند: «آنها بهترین مسلمانان هستند» یا مانند آن. فرشته جبرئیل (علیه السلام) گفت: فرشتگانی که در جنگ بدر شرکت کردند نیز مقام بالایی دارند.

ماجرایی را که می‌خواهم نقل کنم قبلاً در مورد حضرت علی (رضی اللہ عنہ) ذکر شده است، اما به دلیل اهمیت آن در این زمینه، مجدداً به آن اشاره می‌کنم.

عبداللہ بن ابی رافع روایت می‌کند کہ از حضرت علی (رضی اللہ عنہ) شنیدم کہ می‌گفت: «پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم من و زبیر و مقداد بن اسود را فرستادند و دستور دادند بہ روضہٴ خاخ برویم. در آنجا زنی شتر سوار را می‌بینید کہ نامہ ای دارد کہ باید آن را مصادره کنید. ما اسب‌های خود را بہ سرعت تاختیم، حرکت کردیم. وقتی بہ روضہ خاخ رسیدیم، زنی را دیدیم کہ شتر سوار بود. از او خواستیم نامہ را تحویل دہد. گفت: نامہ ای ندارم، ما در جواب گفتیم: نامہ را باید بہ ما بدہ و گرنہ لباست را در می‌آوریم و بازرسی می‌کنیم. در آخر، او نامہ را از موہایش بیرون آورد و بہ ما داد، نامہ را بہ پیامبر اکرم صل اللہ علیہ و آلہ وسلم دادیم. وقتی نامہ باز شد، نوشتہ شدہ بود: «از حاطب بن ابی بلتعہ بہ اہل مکہ.» ایشان را از طرح پیامبر اکرم صل اللہ علیہ و آلہ وسلم آگاہ می‌کرد. پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم حاطب را احضار کردند و پرسیدند: ای حاطب این چیست؟ گفت: ای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم در مورد من عجلہ نکنید. من مردی ہستم کہ در میان قریش ساکن شدم. من بومی آنها نیستم. سایر اصحاب مہاجر شما در مکہ خویشاوندانی دارند کہ بہ وسیلہٴ آنها خانہ و ثروت خود را تأمین می‌کنند. چون من در میان آنها خویشاوندی ندارم، با این کار می‌خواستم لطف آنها را جلب کنم تا بہ من توجہ کنند. من این کار را از روی کفر یا ارتداد انجام ندادہ‌ام، زیرا پس از پذیرش اسلام ہرگز کفر را ترجیح نمی‌دہم.» (او می‌گوید پس از پذیرش اسلام با قلب واقعی ہرگز بہ کفر کشیدہ نمی‌شود). پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم با شنیدن این

سخن فرمودند: «تو راست گفتی.» حضرت عمر گفت: «ای رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، به من اجازه بدهید گردن این منافق را بزنم.» پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: او در جنگ بدر شرکت کرد. تو نمی‌دانی، ولی خداوند درباره اصحاب بدر را گفته است: هر چه می‌خواهید بکنید که من گناهانتان را پوشانده ام.

یعنی، آنها دیگر مرتکب گناهان کبیره نمی‌شدند و به سرنوشت خوبی خواهند داشت. این بدان معنا بود که این افراد در حالت ناباوری نمی‌میرند. پس از الفاظ - حضرت حاطب - همانطور قبلاً گفتم، معلوم می‌شود که کفر پس از پذیرش اسلام هرگز پسندیده نمی‌شود.

حضرت ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: «شاید خداوند متعال به اصحاب بدر [به رحمت] نگاه کرده و فرموده است: هر چه می‌خواهید بکنید که من شما را بخشیدم.» به عبارت دیگر، غیر از کفر، خدای متعال از خطاهای رایج و کوچک آنها نیز می‌آمرزد. خداوند متعال نیز با این سخنان اطمینان داد که هرگز دچار کفر نخواهند شد و عاقبتشان به نیکی خواهد بود. منظور از این کلمات نیز همین است. حتی اگر خطا یا گناهی مرتکب شود، از ضعف انسان است که خداوند متعال آن را می‌بخشد.

ام المؤمنین حضرت حفصه رضی اللہ عنہا نقل می‌کند: پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: امیدوارم کسانی که در بدر و حدیبیه شرکت کردند، انشاء اللہ هرگز وارد آتش نمی‌شوند.

وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا

و هیچ‌کس از شما نیست مگر آنکه وارد آن خواهد شد، این امر بر پروردگارت قضای حتمی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و سلم فرمودند: «آیا این سخنان متعال را نشنیده‌ای:

ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظالمین فیها جثیا

«سپس نیکوکاران را نجات می‌دهیم و ستمکاران را در آنجا به زانو در می‌آوریم».

حتی در دوران خلافت حضرت عمر رضی الله عنه که هزینه‌های نقدی صحابه وضع می‌شد، کمک‌های اصحاب بدر متمایز بود. خود اصحاب بدر به شرکت در جنگ افتخار می‌کردند.

سر ویلیام میور می‌نویسد:

«اصحاب بدر از برجسته‌ترین افراد جامعه به شمار می‌رفتند. هنگامی که سعد بن ابی وقاص در ۸۰ سالگی به رحلت نزدیک رسید، گفت: «لباسی را که در جنگ بدر پوشیده بودم، لباسی را که برای این روز پس انداز کرده بودم، برایم بیاورید.» این همان سعد بود که در زمان بدر در اوج خود بود و بعداً ایران را فتح کرد، بنیانگذار کوفه و والی عراق شد. اما از نظر او همه افتخارات دیگر با افتخار شرکت در جنگ بدر قابل مقایسه نبود. عبایی را که در روز

بدر آراسته بود از همه لباس محترمتر می دانست. آخرین آرزوی این بود که در قبرش دفن شود در حالی که در همان لباس پیچیده بود.»

اهمیت و فضیلت اصحاب بدر را از این جهت می توان دریافت که یکی از نشانه های ظهور مهدی در این امت که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم فرموده بودند، کتابی که در آن نام ۳۱۳ اصحاب به تعداد اصحاب بدر آمده بود. بنابراین، حضرت مسیح موعود علیه السلام می فرماید:

در حدیث معتبری آمده است که مهدی موعود کتابی دارد که نام ۳۱۳ نفر از اصحابش در آن نوشته شده است. اینجا ذکر این نکته ضروری است که این پیشگویی امروز محقق شده است. پیداست که پیش از این در این امت حتی یک نفر نبود که مدعی مهدی باشد و در زمان او چاپخانه وجود داشته باشد و یا کتابی داشته باشد که بتواند نام ۳۱۳ نفر را در آن بنویسد. البته اگر این کار در حیطه تلاش بشر بود، پیش از این می توانستند افراد زیادی وجود داشته باشند که به دروغ درباره خود ادعایی داشته باشند. اما واقعیت این است که پیشگویی های خداوند دارای چنان مقتضیات خارق العاده ای است که دروغگو نمی تواند از آنها سوء استفاده کند و وسایلی که در اختیار راستگویان قرار می گیرد، در اختیار آنها قرار نمی گیرد.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می فرماید:

شیخ علی حمزه بن علی مالک الطوسی در کتاب جواهر الاسرار خود که در سال ۸۴۰ هجری قمری به چاپ رسید، در مورد مهدی موعود چنین می‌نویسد که ترجمه آن چنین است:

«مهدی از دهکده‌ای به نام «کده» خواهد آمد.» این در واقع نسخه عربی قادیان است. سپس می‌گوید: «خداوند حقانیت آن مهدی را ثابت می‌کند و دوستانش را از دور و نزدیک جمع می‌کند که از نظر تعداد با اهل بدر برابری می‌کنند (یعنی به ۳۱۳ می‌رسند) و نام و شخصیت و صفاتشان در کتابی چاپ شده نوشته می‌شود. با این حال، من قبلاً ۳۱۳ نام را در «آئینه کمالات اسلام» نوشته‌ام و برای تأیید بیشتر، آن ۳۱۳ نام را یک بار دیگر در اینجا می‌نویسم. حضرت مسیح موعود علیه السلام این را در ضمیمه کتاب «انجام آتھم» نوشته‌اند). هر فرد منصفی باید بداند که این پیشگویی دیگری است که به نفع من محقق شد. با توجه به آنچه در روایت آمده، از ابتدا باید بیان کرد که همه این اصحاب دارای صفات صدق و تقوا هستند و تا جای که خداوند متعال به آن آگاه است، برخی در محبت و عبادت به خدا و اشتغال به عبادت بر دیگران برتری داشتند. ملاحظه کنید که این ۳۱۳ برگزیدگان که در این کتاب از آنها یاد شده است، تحقق همین پیشگویی است که در روایات پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم آمده است. در این پیشگویی نیز عبارت «کده» آمده است که به وضوح به قادیان اشاره دارد. تمام متن این حدیث این است که مهدی موعود در قادیان متولد می‌شود که کتابی چاپ شده دارد که نام ۳۱۳ نفر از دوستانش در آن نوشته شده است.

همه می‌دانند که نمی‌توانم نام شهر قادیان را در کتاب‌هایی بنویسم که هزار سال پیش نوشته شده است. ماشین چاپی هم درست نکردم که بتوانم به خاطر آن بتوانم بگویم چاپخانه را در این دوره برای همین کار اختراع کردم. من ماشین چاپ را اختراع نکردم. آوردن ۳۱۳ اصحاب مخلص هم از توان من خارج بود. در حقیقت، خداوند متعال این وسایل را برای تحقق پیشگویی رسولش اجراء کرد.»

حضرت مسیح موعود علیه السلام ضمن بیان شباهت‌های پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم و حضرت موسی علیه السلام در جنگ بدر می‌فرماید:

«همانند بنی اسرائیل، بندگان خداوند ۱۳ سال در مکه از دست کافران دچار مشکلات بزرگی شدند. این مشکلات بسیار بیشتر از مشکلاتی بود که فرعون بر بنی اسرائیل تحمیل کرد. سرانجام، این افراد راستباز به همراه کسی که عادل‌ترین آنها بود و در رهبریش از مکه گریختند، درست مانند بنی اسرائیل. سپس مردم مکه به تعقیب آنها پرداختند تا آنها را بکشند، مانند فرعون که بنی اسرائیل را تعقیب کرد تا آنها را بکشد. سرانجام در نتیجه این تعقیب و گریز بود که در بدر با ویرانی مواجه شدند، همچنان که فرعون و لشکریانش در رود نیل با ویرانی مواجه شدند. برای کشف این ارتباط بود که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم با دیدن جسد ابوجهل در بین کشته شدگان بدر فرمودند که این شخص فرعون این امت است. همان گونه که فرعون و لشکریانش در رود نیل هلاک شدند، امری بود که شاهد و تجربه آن بود و هیچ کس نمی‌توانست به آن اعتراض کند، تعقیب

ابوجهل و لشکریانش نیز در جنگ بدر به شکست انجامید، امری شاهد و تجربه بود که انکار آن احمقانه و حماقت بود. مردمی که به بنی اسرائیل شباهت داشتند، آن قوم خدایی که توسط رهبر و مولای ما از ظلم و ستم مکی رهایی یافتند، پس از جنگ بدر مانند بنی اسرائیل در سواحل رود نیل سرود خواندند. آن سرودهای عربی که در دشت بدر خوانده می‌شد، امروز در کتاب‌ها باقی مانده است.»

سپس در مورد دیگر حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرماید:

«مثالی که در تورات در کتاب استثنا آمده، مثال همان پیامبری است که با کمک الهی ۱۳ سال همراه با امت خود سختی‌ها و هر نوع مشکل را متحمل شد و سرانجام با جماعت خود گریخت، و تعقیبش کردند. سرانجام در مدت چند ساعت در نبرد بدر، ابوجهل و قومش با شمشیرهای تندرو مورد اصابت قرار گرفتند، همانطور که فرعون و لشکریانش بر اثر سرعت رودخانه نیل هلاک شدند. با ضوح و با تمام قوا نگاه کنید! چطور هر دو اتفاق مصر و مکه شباهت دارند.»

در قرآن کریم آمده است:

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ. و خداوند شما را در حالی که ناتوان بودید کمک کرد.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در کتاب خطبه الهامیه ضمن ذکر شباهت ظریف بین بدر و قرن چهاردهم می‌فرماید، ترجمه اردو چنین است:

«عدد ۴۰۰ بعد از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و سلم است تا وعده خاتم الانبیاء صل الله علیه و آله وسلم که در کتاب مبین بیان شده محقق شود. یعنی، بیان خداوند: وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ

در این آیه مانند بینایان تدبر کنید، زیرا این آیه به دو بدر اشاره دارد. اول بدر بود که به یاری اولی‌ها آمد و بدر دوم نشانه ای بود برای آیندگان. شکی نیست که این آیه اشاره‌ای ظریف به آن زمان در آینده دارد که قرار بود مانند شب بدر باشد و ۴۰۰ سال بعد از ۱۰۰۰ سال تجلی کند. این استعاره ای است که خداوند متعال هنگام ذکر شب بدر به کار برده است. علاوه بر این، می‌پذیریم که این آیه دارای معانی دیگری نیز می‌باشد که مربوط به زمان‌های گذشته است، چنانکه علما به خوبی می‌دانند، زیرا این آیه دارای دو دیدگاه است؛ دو [وقت] کمک و دو بدر است. یک بدر مربوط به زمان‌های گذشته است و بدر دیگر مربوط به زمان‌های آینده است که مسلمانان در وضعیت بسیار پستی قرار می‌گیرند، چنانکه در زمان کنونی شاهد آن هستید. اسلام مانند هلال ماه شروع شد و مقرر شد که در آخرالزمان به فرمان خداوند به ماه کامل [بدر] تبدیل شود. از این رو، حکمت خداوند متعال حکم کرده است که در این قرن، اسلام مانند بدر [ماه کامل] شود که از نظر تعداد نیز شبیه بدر باشد. همین معانی است که خداوند متعال در کلمات بیان می‌کند. وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ

[و خداوند شما را در بدر در حالی که ضعیف بودی یاری کرد]

پس در این امر با دقت فکر کنید و مانند جاهلان مباشید. در واقع، واژه [عربی لقد نصرکم] با توجه به سایر جهات آن به عنوان [ینصرکم] به کار رفته است، همچنان که برای صاحبان فهم آشکار است. لذا خداوند متعال برای اسلام مقرر فرموده است که پس از دو مرتبه ضعف، اسلام را نیز دو مرتبه گرامی بدارند، در مقابل یهودیانی که به عذابشان مقرر شده بود که بعد از دو عزت دو خواری داشته باشند، چنانکه در روایات آن فاسقان و ظالمان در سوره بنی اسرائیل می‌خوانید. در زمانی که مسلمانان در مکه باید ذلت را تحمل کنند، خداوند به آنها وعده داد:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا ۖ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

به کسانی [از مؤمنان] که [مشرکان] با آنان کارزار کرده‌اند، رخصت جهاد داده شده است، چرا که ستم دیده‌اند، و خداوند بر یاری دادن آنان تواناست. خداوند با گفتن «به آنها کمک کن» نشان داد که کافران به دست مؤمنان عذاب خواهند شد. و این وعده خدا در روز بدر که کافران بر اثر شمشیرهای مسلمانان کشته شدند، محقق شد.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرماید:

«وضعیت قرن چهاردهم مانند آن چیزی است که در روز بدر رخ داد و خداوند در مورد آن می‌فرماید:

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ [و خداوند تو را در بدر در حالی که ضعیف

بودی یاری کرد]

این آیه در واقع حکایت از یک پیشگویی دارد: هنگامی که در قرن چهاردهم اسلام ضعیف و ناتوانا می‌شود، خداوند به وعده خود به کمک آن خواهد آمد.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرماید:

«ببینید که چگونه در بدر به صحابه کمک شد و آمده است که این کمک در زمانی به آنها داده شد که تعدادشان کمتر بود. کفر در آن بدر ریشه کن شد. در کنار ظهور نشانه‌های خارق‌العاده در بدر، پیش‌گویی درباره آینده نیز وجود داشت. این در آن است که بدر نام ماه کامل نیز هست. این نشانه ای از تجلی یاری خداوند متعال در قرن چهاردهم است. قرن چهاردهم همان قرنی است که حتی زنان درباره آن می‌گویند قرن چهاردهم با خود خیر و برکت خواهد داشت. سخنان خداوند ثابت شد و در قرن چهاردهم به خواست خداوند متعال، بروز احمد در شخص من تجلی یافت (مسیح موعود علیه السلام درباره خود فرمود که او بروز احمد است) که در واقعه بدر پیشگویی شده بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و سلم به او سلام گفتند. یعنی، حیف است که وقتی ماه قرن چهاردهم تجلی یافت، به او برچسب انگیزه‌های خودخواهانه زدند. وای بر کسانی که دیدند، اما ندیدند. که در زمانه زندگی می‌کردند اما آن را نمی‌شناختند. کسانی که بر منبرهایشان گریه می‌کردند و می‌گفتند در قرن چهاردهم این اتفاق خواهد افتاد، مرده اند. حالا بمانند کسانی که پای منبرهایشان می‌ایستند و می‌گویند آن که آمده دروغگو است. چه مشکلی با آنها دارد؟ چرا نمی‌بینند و چرا فکر

نمی‌کنند؟ در آن زمان خداوند متعال در بدر کمک کرد و به افراد ضعیف کمک کرد، در حالی که فقط ۳۱۳ نفر در میدان جنگ حضور داشتند و جمعاً دو یا سه شمشیر چوبی داشتند. در میان ۳۱۳ نفر بیشتر جوانان بودند. چه حالت ضعیف تری می‌تواند وجود داشته باشد؟ از سوی دیگر نیروی عظیمی متشکل از جوانان مجرب در جنگ شرکت کردند. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم هیچ وسیله ظاهری در اختیار نداشتند. در این هنگام پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم دعا کرد:

الهم ان اهلکت هذه العصابة لن تعبد فی الارض ابدًا

«خداوندا! اگر امروز این حزب را نابود کنی، دیگر کسی برای پرستش تو باقی نخواهد ماند.»

گوش کنید، من با اطمینان کامل می‌گویم که وضعیت امروز مانند بدر است. خدای متعال به همین خاطر یک جماعت آماده می‌کند و در آن همان واژه بدر و اذله موجود است.

عدد چهارده از این نظر ارتباط بسیار عمیقی دارد. ماه قرن چهاردهم کامل می‌شود. خداوند متعال در ذیل به همین نکته اشاره می‌کند:

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ

[و خداوند شما را در بدر در حالی که ضعیف بودید یاری کرد]

در آن زمان نیز امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و سلم کوچک بود و با این حال بر دشمن غلبه کردند. و اکنون، بدر عصر حاضر ما نیز هست.

حضرت قاضی عبدالرحیم (رضی الله عنه) در کتاب خاطرات خود ۱۷ فوریه ۱۹۰۴ میلادی با توجه به الهام "واقعه غزوه بدر را فراموش نکنید"

دیشب حضرت مسیح موعود علیه السلام خوابی بیان فرمودند که کسی در خواب گفت: "واقعه جنگ بدر را فراموش نکن"

خداوند متعال اهمیت جنگ بدر را به ما القا کند و علت ظهور غلام واقعی پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم را درک کنیم. خداوند متعال به جماعت توفیق عنایت فرماید تا اهمیت واقعه بدر را درک کنند و ما غلام صادق پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم را بشناسیم و از این شایستگی بازیابی عظمت و شکوه از دست رفته خود را پیدا کنیم.

اکنون می‌خواهم در رابطه با جلسه سالانه صحبت کنم. به خواست خدا، جلسه سالانه بریتانیا از جمعه آینده آغاز خواهد شد. امسال، پس از وقفه ای حدوداً ۳-۴ ساله، تعداد زیادی از مهمانان برای شرکت خواهند آمد. در واقع، مهمانان دارند می‌آیند. خداوند متعال به همه مسافرین آسایش و راحتی عنایت فرماید و به سلامتی به اینجا برسند. باشد که آنها برکات واقعی را از هدف جلسه بگیرند. همینطور، باشد که همه احمدی‌های مقیم انگلستان با شور و شوق و روحیه واقعی در جلسه شرکت کنند، تنها با این

هدف که در ایام جلسه برای رسیدن به اجر معنوی تلاش کنند. تمامی کارکنانی که در طول جلسه به وظایف مختلف منصوب شده اند، باید در خدمت همه شرکت کنندگان جلسه به عنوان مهمانان حضرت مسیح موعود علیه السلام تلاش کنند.

این بار تخمین زده می‌شود که تعداد شرکت کنندگان افزایش یابد و به همین دلیل ممکن است کاستی‌های سازمانی باقی بماند. ولی ان شاء الله، امیدوارم جماعت انگلستان آنقدر در تشکیلات خود باتجربه شده باشد که اکثریت مسائل را قبلاً حل کرده باشد و فقط کاستی‌های جزئی باقی خواهد ماند. علاوه بر این، در صورت بروز هر گونه مشکل، آنها باید بتوانند آن را به بهترین شکل ممکن حل کنند. انشاءالله که چنین مسائلی که باعث ناراحتی مهمانان شود پیش نیاید.

اسلام بر تکریم و احترام به میهمانان تأکید فراوان دارد. از این رو، مهمانانی که صرفاً برای مقاصد دینی به ندای حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌آیند، باید تک تک مأموران و میزبانان به طور ویژه خدمت و تکریم کنند. این خدمت آنها باید صرفاً از روی عواطف فداکاری و در عین حال برای خواسته‌ی خداوند متعال انجام شود.

آموزه‌های اسلام در مورد پذیرایی از میهمانان چیست و پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم چه انتظاری از مهمان نوازی داشتند؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در یکی از موارد می‌فرماید: «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید مهمانانش را گرامی بدارد». در ایام جلسه، مردم از همه ملل

مختلف می‌آیند و خلق و خوی متفاوتی دارند. گاهی اوقات در مدیریت افراد با خلق و خوی متفاوت مشکلاتی پیش می‌آید. مهمانان به دلیل ماهیت متفاوتی که دارند، گاهی چیزی می‌گویند یا به گونه‌ای عمل می‌کنند که کار را برای فردی که وظیفه دارد یا وظیفه رسیدگی به آن مهمان را بر عهده دارد، دشوار می‌کند. اما پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم به ما دستور داده است که همیشه میهمانان خود را گرمی بداریم، زیرا این راه دیگری برای آزمایش ایمان است.

بنابراین، مأموران وظیفه باید همیشه اخلاق والایی داشته باشند و همیشه لبخند بر لب داشته باشند. خدمتگزاران خود داوطلبانه به میهمانان خدمت می‌کنند، پس باید به آن درجه‌ای برسند که خداوند متعال و رسولش از آنان می‌خواهند.

اسلام به ما می‌آموزد که به چه سطحی از نمایش اخلاق عالی دست پیدا کنیم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این باره می‌فرمایند: «لبخند زدن به برادرت صدقه است، امر به معروف و نهی از منکر صدقه است، رهنمود دادن به گمشده یا نابینا برای تو صدقه است». برداشتن سنگ، خار یا استخوان از جاده برای شما صدقه است (یعنی زدودن هر گونه زباله). ریختن آنچه از سطل تو در سطل برادرت می‌ماند برای تو صدقه است.» اینها معیارهایی است که هر احمدی باید به آنها برسد. از آنجایی که توجه کارگران را به این موضوع جلب می‌کنم، به ویژه به آنها می‌گویم که همیشه خندان بودن یک ویژگی بسیار ستودنی است. گاهی اوقات مؤظفین وقت

کمی برای خواب دارند و خسته می‌شوند. با وجود این، به ما دستور داده شده که همیشه لبخند بزنییم و از صمیم قلب خدمت کنیم.

همچنین اداره تربیت به ویژه، و مأموران بطور عموم، باید توجه داشته باشند که اگر دیدند شخصی خلاف حریم فضا و معارف ماست، او را با ملایمت و محبت نصیحت کنند. بعد از این، به نشان دادن راه به دیگران اشاره شده است. تیم‌هایی برای نشان دادن راه به مردم تعیین شده اند. اینگونه در جاهای مختلف تابلوهایی نصب می‌شود که حاوی دستورالعمل‌ها و نشانه‌هایی است. با وجود این، اگر کسی راهنمایی بخواهد باید بر اساس آن راهنمایی شود. لازم نیست فقط کسانی که این وظیفه را بر عهده دارند به دیگران اطلاع دهند، اگر انسان رهنمودها را می‌داند، اخلاق حسنه حکم می‌کند که راه را به او نشان دهند و اگر نمی‌دانند به اداره مربوطه راهنمایی کنند که بدانند. همه می‌دانند که کمک به افراد دارای نقص جسمی یا بینایی یک مسئولیت اساسی است و این موضوع به همه یادآوری می‌شود. بنابراین نیازی به توضیح بیشتر در این مورد نیست.

علاوه بر این، اگر میهمان یا شخص دیگری کیسه یا لیوان یکبار مصرف یا هر گونه زباله و غیره دیگری را در مسیر پیاده روی یا جای دیگری پرتاب کند، اگرچه اداره بهداشت وظیفه تمیز کردن آن را دارد، اما در صورت مشاهده زباله، کارکن باید آن را جمع کرده و در نزدیکترین سطل زباله دور بیندازد. ساماندهی باید اطمینان حاصل کند که سطل‌های زباله در نقاط مختلف

گذاشته شده اند. در عین حال، با توجه به شرایط، ساماندهی باید اطمینان حاصل کند که هیچ کس چیز نامناسبی را در آنجا پرتاب نکند.

همینطور، کسانی که مسئول غذا هستند نیز باید مراقب مهمانان باشند. اگر غذا کم شود، مؤدبانه برای مهمانان توضیح دهید که به دلیل کمبود، اگر بتوانند غذا را تقسیم کنند، همه می‌توانند سهمی داشته باشند. معمولاً احتمال وقوع این اتفاق بسیار کم است، اما در صورت بروز چنین شرایطی، تیم‌های سرو غذا باید با عشق و درایت با آن برخورد کنند. همینطور، بخش مدیریت ترافیک وجود دارد. گاهی اوقات ممکن است مشکلاتی در آنجا ایجاد شود، به خصوص زمانی که هوا بد است. در این مورد همچنین می‌خواهم به مهمانان بگویم که با کسانی که در بخش ترافیک کار می‌کنند همکاری کنند. کسانی که در این بخش کار می‌کنند نیز باید بهترین اخلاق را از خود نشان دهند. همین گونه بسیاری از بخش‌های دیگر در جلسه سالانه وجود دارد. همه باید به هدایت پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم عمل کنند تا همیشه خندان باشند. خداوند متعال به همه کارگران وظیفه توفیق دهد تا به بهترین نحو خدمت کنند و جلسه از هر جهت برکت باد. هر احمدی باید مخصوصاً برای موفقیت جلسه دعا کند. خداوند متعال به ما توفیق دهد که این کار را انجام دهیم.